

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

س. رها  
۲۵ جون ۲۰۱۳

## دشمن کیست؟

هزینه ۵۷۰ میلیون دالری و خرید ۳۰ بال هلیکوپتر به دولت پوشالی و اردوی پوشالی برای مقابله با دشمن(؟) کسی در این میان نیست که بپرسد حالا این دشمن کیست که امپریالیستان غرب به ویژه امریکا(قدرت اول جهان) دوازده سال تمام دنبال آن می گردند ولی تاکنون موفق به شکست دادن آن نشده اند؟

در اوایل امپریالیسم خونخوار امریکا شعار مبارزه با تروریسم را دستاویز حمله بر افغانستان و اشغال نمودن این کشور برای خود نمودند و به بهانه مبارزه علیه تروریسم جهانی، این اشغال خود را با گرفتن مهر تأییدی از جانب چوبدستانش چون جامعه جهانی و سازمان ملل، صبغه قانونی بخشیدند ولی امروز می بینیم این قدرت بزرگ جهان در پیش همان مخلوق خود که عبارت از تروریسم جهانی باشد، دولا شده است و شکست سیاسی خود را تجربه می کند و این بار نیز بر این شکست خود با بازکردن "امارت اسلامی افغانستان" در قطر، مهر تأییدی زده است. هر چند که این یک کاسه دیگری زیری نیم کاسه است که افشای این راز هنوز از محدوده چند طرف قضیه فراتر نرفته است. خلاصه با بازی های موش و گربه زیادی خصوصاً با گشایش دفتر سیاسی طالبان(گردان از تروریسم جهانی) در قطر، امریکا بیش از همه به مردم ما ثابت کرد که شعار "مبارزه با تروریسم جهانی" جواز نامه ای برای اشغال و قانونی جلوه دادن آن بیش نبوده است که این بدون تردید ثابت می کند پس آن دشمن که غرب از آن سخن می راند تروریسم و طالب نیست نه تنها که دشمن شان نیست بلکه دوست خوب همدیگر نیز می باشند همان دوستی که بین خالق و مخلوق وجود دارد.

نیروی دیگری که بی نظیر ترین جنایت هارا در تاریخ بشری بالای ملت مظلوم افغانستان وارد نموده است رهبران و سران تنظیمی در افغانستان است که مزدور ترین جریان در طول تاریخ به ویژه تاریخ افغانستان می باشند (البته مقام و منزلت مزدوران خلق و پرچم و تحریک سیاه طالبان در جنایت، محفوظ است چون کم تر نیروئی یافت خواهد شد تا رکارد جهانی جنایت را شکسته و افتخار مقام اول در جنایت را از این جریان ها بگیرد) که با اشغال شدن افغانستان توسط بیش از چهل کشور امپریالیستی به ویژه امپریالیسم امریکا و جار زدن شعار دموکراسی، امنیت و عدالت این نیروها نیز نه تنها که به پای میز محاکمه کشانیده نشدند(چیزی که خواست مردم بود و شرط اولیه برپائی عدالت و دموکراسی بعد از آن همه جنایات در یک کشور تقاضا دارد- البته خواست مردم محاکمه جنایتکاران بود اما نه این که این را از متجاوزان بخواهند) بلکه هر کدام به تناسب دژخیمی، جنایت و خیانتش به کرسی های بالاتر دولتی دست یافتند و در کنار مزدورک پوشالی این بار بادریشی و نکتائی به چوشیدن خون ملت باز مشغول شدند. در این باره نیز مردم خوش باور ما به این باور شدند که همین جریان ها بودند که عدالت را در افغانستان نقض می کردند و دموکراسی را قربانی هوس های حیوانی خود می نمودند پس حالا که امریکا به منظور تحکیم عدالت و آوردن دموکراسی در اینجا آمده است حتماً منظورش به محاکمه کشانیدن همین جنایتکاران تنظیمی می باشد(در حالی که تاریخ حکم می کند که هیچ نیروی کشور

دیگری قادر به تحکیم قانون و برپایی عدالت در کشوری دیگر شده نمی تواند حتی اگر هدفش هم همین باشد چون آنها قانون را از دید خود تعریف می کنند و درحالی که این تعریف قانون برای کشوری دیگر معنی اسارت را می دهد و قانون در آنجا مفهوم دیگر دارد). ولی باوجود اشغال افغانستان توسط نیروی چهل و هشت کشوری امپریالیستی این سران تنظیمی نه تنها محاکمه نشدند بلکه هر روز از آنها منحیث سمبول های دموکراسی و عدالت یاد می شود و به جای پوسیدن درکنج زندان، افغانستان را به زندان ملل تبدیل کرده اند. این ثابت ساخت آن دشمنی که امریکا همواره برای تضعیف و از بین بردنش میلیون ها دالر هزینه می کند جنایتکاران تنظیمی به اصطلاح خود شان جهادیان نیز نمی باشند نه تنها که دشمن شان نمی باشند بلکه در رابطه با هم بوده و دوست صمیمی همدیگر نیز می باشند.

درکناری این ها عوامل که در طی چهار یا پنج دهه اخیر بیشترین ضربه را به کشور و مردم ما وارد کردند، گذشته از شوروی متوفا کشورهای دور و بر افغانستان به ویژه پاکستان و ایران بودند که با جنایت های عیان و پنهان شان و به خدمت گرفتن جریان های مزدور و جهالت پیشه، تیشه خود را به ریشه آزادی و ترقی این وطن زده اند و این چیز است؛  
اظهر من الشمس!

با آغاز حمله و لشکرکشی امریکا بر افغانستان، بعضی به اصطلاح روشنفکران ولی بی خبر از همه چیز و خود فروخته این امید کاذب را در دل مردم بار آوردند که حداقل و به طور حتم دست این کشورهای جنایت و خیانت پیشه و مزدور پرور همراه با مزدوران داخلی شان از وطن ما کوتاه خواهد شد ولی در طی دوازده سال عملاً دیده شد که کفتار مایل به بیرون نمودن گرگ هار از صحنه نمی باشد به خصوص وقتی با موجودیت هردوی شان به دست آوردن شکار آسان تر باشد که در اینصورت قدم به قدم به تباری و سازش با همدیگر پیش می روند.

دولت وابسته و خاین پاکستان در شرایط فعلی بدون همکاری امریکا حتی قادر به حراست از وضعیت خود نمی باشد و اگر اندکی تاریخ را ورق بزنیم می بینیم که هر آنچه جنایت و وحشیگری در آسیای میانه رخ داده است دست پاکستان بدون شک در آن دخیل است. از وابستگی به بریتانیای کبیر گرفته تا مزدوری انگلیس، عربستان سعودی و امریکا، از به وجود آوردن جریان اخوان المسلمین به مانند مصر گرفته تا به اجراء گذاردن پروژه طالبان و جهادیان سگ صفت آن در افغانستان.

ولایت فقیه که قرون وسطائی ترین و ضد انسانی ترین قوانین را بالای مردم ایران تحمیل می کند در ظاهر نمایش های ضدی امریکائی اجراء می کند ولی این نمایش ها از محدوده پیدایش ناراحتی بین زن و شوهر فراتر نمی رود و درحالی که می بینیم تاروپود این رژیم منفور و جهالت پیشه ضد بشری از طرف همان امپریالیسم امریکا و باداران اسرائیلی شان می آید. وابستگی این رژیم منفور مزدور را نیز از چند دهه قبل به این طرف می توان به خوبی درک کرد، از روی کار آوردن دولت مزدور شاه تاسرنگونی آن و تولید خمینی مزدور و خیانت کیش و نشانندش بر سریر قدرت، از به وجود آوردن به اصطلاح اصول گرایان و اصلاح طلبان گرفته تا چیدن مهره های دلخواه خود در جاهای دلخواه، گرچه این بازی های تباہ کن امریکا در ایران به روشنی چون افغانستان نیست اما اگر کسی اندک تأمل نموده با داشتن تعمق غرضی نداشته باشد از این زدوبندهای پشت پرده ولایت فقیه با امریکا و اسرائیل چشم پوشی نخواهد توانست در این باره کافیسیت به کتاب "پول خون" اثری از "اری بن مناشه" و ترجمه "مسعود انصاری" مراجعه کنند. ار بن مناشه کسی است که خود عضویت استخبارات اسرائیل را داشت اما بعدها به دلیل پیدایش اختلافات با "موساد" و "سی.آی.ای" دست به افشاءگری زد. ما را از عمق رویدادهای واقعی پشت پرده به خصوص در مورد خمینی و همپالگان ولایت فقیه وی آگاه می سازد.

خوب! با این وضع دشمنی امریکا با پاکستان، ایران و همین قسم کشورهای دیگر دخیل در پروژه بدبخت نمودن افغانستان نیز نه تنها که منطقی نیست بلکه حتی لوده ها از شنیدن این سخن به خنده آمده و باور نمی کنند که این همه

هزینه کردنهای گزاف امریکا در افغانستان برای از بین بردن ویا کوتاه نمودن دست کشورهای همسایه باشد. پس دیگر چه کسی باقی مانده است که احتمال دشمنی آن با امریکا وجود دارد؟  
عملاً می بینیم که امریکا طی این دوازده سال بیشترین و عمیق ترین ضربه ها را به کی ها زده است وکی ها بآبودن امریکا در افغانستان مخالف می باشند؟

از شور بختی ما حوادث یکی پی دیگری ثابت می سازد که تنها دشمن اصلی امریکا، ملت و مردم افغانستان می باشد و بیشترین ضربه را نیز در طی همین دوازده سال به ملت وارد کرده است، قربانی از ملت گرفت و هر روزه می گیرند، تجاوز بالای ملت شد و هر روزه می شود، فقیر ملت شد و باگذشت هر روز فقیر تر می شود، بی خانمان و مهاجر ملت شد و هر روزه باز هم بیشتر می شود، شائیده بالای جسد های ملت شد و هر روزه می شود، معتاد ملت شد و با گذشت هر روز به شمار معتادان افزوده می شود، آزادی و حق شهروندی از ملت گرفته شد و همواره می شود و... با این همه بدبختی باز هم آیا وطن فروش و مادر فروشی مثل آقایان هالندی پیدا خواهد شد که این اوضاع را به فراموشی سپرده و آمده به دامن جنبش انقلابی کشور بچسبند؟

در آخر باز هم تکرار می کنم که آن دشمنی که چهل و هشت کشور امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم امریکا به خاطر از بین بردنش به وطن ما حمله کرده و خانه ما را اشغال کرده اند نه طالبان است و نه جهادیان، نه مزدوران خلق و پرچم اند و نه تکنوکرات های غرب زده، نه پاکستان است و نه ایران. تنها دشمن امپریالیسم امریکا و همکاران متجاوزش همین مردم است و همین وطن پرستان واقعی و چیزی که این مردم را با امپریالیستها دشمن معرفی می کند نیز چیزی نیست جز همان حرص امپریالیستی شان و این حرص و منافع است که برای امپریالیسم دوست و دشمن تعیین می کند و هر وقت نیز طبق صواب دید منافع این دوست و دشمن تغییر کرده و دوست در مقام دشمن و دشمن در مقام دوست می نشیند ولی چیزی که خیال خام برای امپریالیستان شده است اینست که آنها میخواهند مردم را (طبق گفته شان، دشمنان) از بین ببرند و این یک چیز نیست محال و غیر می ممکن.

زنده باد جنبش انقلابی کشور و مبارزات مردم ما

زنده باد معتقدان به اندیشه مائوتسه دون در افغانستان

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع

نفرین و ننگ باد بر تفاله های بی مقدار خلق و پرچم

(س.رها)